

### گزارش خبری



## پلنگ دماوند تلف شد

دامپزشک مرکز بازپروزی حیات وحش پارک پردیسان با اشاره به اینکه پلنگ دماوند (روستای مغانک) از روز شنبه (۱۳ بهمن) با وحیم‌ترشد وضعیت بیماری‌اش، شرایط نامساعدی داشت، گفت: این گربه‌سان بامداد روز گذشته (چهارشنبه ۱۷ بهمن‌ماه) در مقابل ویروس کرونا دوام نیاورد.

به گزارش «شرق» از روابطعمومی سازمان حفاظت محیط زیست، بابک باستانی افزود: متأسفانه تلاش‌ها برای درمان پلنگ نتیجه نداد و این گربه‌سان تلف شد. آزمایش‌های اولیه و تکمیلی وجود ویروس کروناوی ویزه گربه‌سانان (FIP) در خون این پلنگ را نشان داد و این‌رو کمیته دامپزشکی تشکیل‌شده از دامپزشکان با گرایش‌های مختلف، برای درمان این پلنگ تشکیل شد و روشی درمانی با دوره‌ای ۸۴‌روزه آغاز شد. به گفته باستانی، پلنگ در ۳۰ روز نخست به درمان واکنش مثبتی نشان داد و روند بهبود نسبی مشاهده شد، اما از روز شنبه ۱۳ بهمن شرایط پلنگ نامساعد و به‌شدت بحرانی شد. باستانی گفت: پلنگ از روز شنبه علائم عصبی جدی از خود نشان داد و از خوردن غذا امتناع کرد و دارویی را که همراه با غذا به آن داده می‌شد، مصرف نمی‌کرد. پس از تشکیل جلسه فوری با دامپزشکان عضو کمیته، تصمیم بر آن شد که در روند درمان تغییرات اساسی ایجاد شود.

دامپزشک مرکز بازپروزی حیات وحش پارک پردیسان با بیان اینکه دانش بسیار کمی درباره درمان حیات وحش مبتلا به این بیماری در جهان وجود دارد، گفت: روش‌های درمانی مشابهی برای این بیماری درباره گربه‌سانان خانگی وجود دارد، اما شرایط گونه‌های وحشی خصوصا گربه‌سانان بزرگ‌جثه مانند پلنگ بسیار متفاوت و پیچیده‌تر به نظر می‌رسد.

دیمان همزه‌زاده، عضو هیئت علمی دانشگاه کردستان و دامپزشک عضو تیم درمان پلنگ دماوند نیز پیش از این برای بیماری FIP از عنوان «بیماری هزارچهره» استفاده کرده و گفته بود: به‌رغم آنکه بیماری FIP یک بیماری کاملا شناخته‌شده است و پروتکل‌های درمان این بیماری نیز مشخص شده، اما تمامی این دست‌ورالعمل‌ها مربوط به حیوانات خانگی است؛ بنابراین به معنای واقعی کلمه می‌توان گفت این یک بیماری هزارچهره است و کنترلی که می‌توان بر روی یک حیوان خانگی انجام داد، برای پلنگ به این صورت نیست. با توجه به تجربیاتی که در زمینه برخورد با این بیماری وجود دارد، ممکن است این بیماری رنگ عوض کرده و به صورت ناگهانی تغییر وضعیت دهد؛ در نتیجه این ذهنیت که این بیماری به‌طور قطعی درمان خواهد شد، درست نیست.

هشتم دی‌ماه یک قلاده پلنگ در نزدیکی روستای مغانک در دماوند مشاهده شد و با اقدام به‌موقع محیط‌بانان و کارشناس محیط زیست، پلنگ زنده‌گیری و برای درمان به تهران منتقل شد. این پلنگ در حدود پنج تا شش‌ساله بود و زمانی که زنده‌گیری شد، بسیار ضعیف بود. شواهد نشان می‌داد با پلنگ دیگری درگیر شده است؛ جای ناخن روی صورت حیوان بود که موجب عفونت و ضعف آن شده بود. بعد از بررسی‌ها مشخص شد پلنگ به ویروس کرونا مبتلا شده است و از آن زمان درمان همچنان ادامه داشت. مدیرکل دفتر حفاظت و مدیریت حیات وحش سازمان حفاظت محیط زیست در گفت‌وگو با ایرنا با اشاره به ابتلای پلنگ دماوند به ویروس کرونا گفته بود: متخصصان برای زنده‌ماندن این پلنگ درصد پایینی متصور هستند، اما با جدیت سیر درمانی پلنگ را ادامه خواهیم داد.

غلامرضا ابدالی افزود: با وجود اینکه از نظر تخصصی ابتلای گونه مذکور به بیماری ویروسی ادامه حیاتش را با مخاطره جدی مواجه کرده است که متخصصان برای زنده‌ماندنش درصد پایینی متصور هستند، اما به دستور رئیس سازمان حفاظت محیط زیست با جدیت سیر درمانی پلنگ را ادامه خواهیم داد. همچنین روز سه‌شنبه جمعی از دامپزشکان که مسئول روند درمان پلنگ دماوند بودند، در جلسه‌ای به بررسی آخرین وضعیت بیماری و روند درمان این گونه ارزشمند پرداختند و مشخص شد که پلنگ خوب نیست، اما تلاش‌ها برای بهبود این گربه‌سان همچنان ادامه داشت تا دوباره به روزهای خوب برگردد. پلنگ ایرانی (*Panthera pardus tulliana*) یکی از بزرگ‌ترین زیرگونه‌های پلنگ است که بومی غرب آسیا بوده و در فهرست جانوران در معرض خطر انقراض قرار دارد. بر اساس گزارش‌های سال ۲۰۰۵، کمتر از هزارو ۳۰۰ قلاده پلنگ در محدوده‌ای شامل ایران، قزاق، ترکمنستان، جنوب روسیه، پاکستان و افغانستان زیست می‌کنند که حداقل ۶۰ تا ۷۰ درصد این جمعیت در ایران حضور دارند.

در دهه‌های اخیر، جمعیت پلنگ ایرانی به‌طور درخور توجهی کاهش یافته است. عوامل متعددی در این کاهش نقش دارند که از جمله آنها می‌توان به تخریب و تکه‌تکه‌شدن زیستگاه‌ها به دلیل جاده‌سازی و توسعه مناطق روستایی، کاهش طعمه‌های طبیعی به دلیل شکار غیرقانونی و تعارضات بین انسان و پلنگ اشاره کرد. این تعارضات گاهی منجر به شکار تلافی‌جویانه پلنگ‌ها توسط دامداران می‌شود.

در سال‌های اخیر، گزارش‌های متعددی از تلف‌شدن پلنگ‌ها در نقاط مختلف ایران منتشر شده است. برای مثال، از ابتدای سال ۱۴۰۳ تاکنون، حداقل پنج پلنگ در استان‌های مختلف تلف شده‌اند که این امر رنگ خطری برای بقای این گونه محسوب می‌شود. در مورد پلنگ دماوند، این حیوان در نزدیکی روستای مغانک مسافده و زنده‌گیری شد. پس از انتقال به مرکز بازپروزی حیات وحش پارک پردیسان، علائم ضعف شدید و درگیری با پلنگ دیگر در آن مشاهده شد. با وجود تلاش‌های انجام‌شده، این پلنگ بامداد چهارشنبه ۱۷ بهمن‌ماه تلف شد.

با وجود این چالش‌ها، اقدامات حفاظتی متعددی برای حمایت از پلنگ ایرانی

در حال انجام است. این اقدامات شامل برنامه‌های آموزشی برای جوامع محلی، جبران خسارات وارده به دامداران و افزایش جریمه‌های شکار و کشتار گونه‌های در خطر انقراض است. همچنین، ثبت تصاویر پلنگ‌ها در مناطق مختلف نشان‌دهنده حضور این گونه در زیستگاه‌های متعدد ایران است که امیدواری‌هایی را برای بقای آن ایجاد می‌کند.

به‌طور کلی، وضعیت پلنگ ایرانی همچنان نگران‌کننده است و نیاز به تلاش‌های مستمر در زمینه حفاظت و آگاهی‌بخشی دارد تا از انقراض این گونه ارزشمند جلوگیری شود. برای جلوگیری از انقراض پلنگ ایرانی، ایران باید اقدامات گسترده‌ای را اجرا کند. نخست، حفاظت از زیستگاه‌های طبیعی و کشتار نشان‌دهنده حفاظت‌شده، اتصال زیستگاه‌های مجزا و جلوگیری از تخریب محیط زیست ضروری است. سپس، مقابله با شکار غیرقانونی و تعارضات انسانی باید از طریق افزایش کشت‌های محیط‌بانی، جبران خسارات دامداران و آموزش جوامع محلی انجام شود. همچنین، افزایش آگاهی عمومی با برنامه‌های رسانه‌ای و تشویق گردشگری پایدار می‌تواند به حفظ این گونه کمک کند. تقویت قوانین، افزایش جریمه‌های شکار غیرمجاز و بهبود شرایط محیط‌بانان نیز ضروری است. در نهایت، پایش جمعیت پلنگ، ایجاد بانک ژنتیکی و حمایت از تحقیقات علمی برای درک بهتر وضعیت این گونه باید در اولویت باشد. اجرای این اقدامات، با همکاری دولت، مردم و پژوهشگران، می‌تواند بقای پلنگ ایرانی را تضمین کند.

مدير كمپين معلولان كه در آذرماه از فساد ۱۳ ميليارد توماني

در بدنه ستادي سازمان بهزيستي خبر داده بود، اظهار كرد: بهزيستي به‌جاي اخراج يا بازخواست كارمند متخلف، او را به چهارمحال‌وبختياري، محل قبلي خدمتش، برگرداند تا در سكوت و آرامش به كار خود ادامه دهد. به گزارش خبرآنلاين، بهروز مروتي كه در آذرماه اسمسال از فساد ۱۳ ميليارد توماني يكي از كارمندان ستادي بهزيستي كشور خبر داده بود، مي‌گويد: با گذشت سه ماه از اين تخلف بزرگ، درحالي‌كه انتظار مي‌رفت فرد متخلف توسط بهزيستي به محاكم قضائي معرفي و تا بررسي كامل از كار بركنار نشود، نهنتها اخراج يا بازخواست نشده، بلكه با بازگشت به بهزيستي چهارمحال‌وبختياري كه محل قبلي خدمتش بوده، همچنان مشغول ادامه فعاليت خود است. مروتي با بيان اينكه «ا.ح.س» يكي از كاركنان ستاد بهزيستي كشور كه سابقه خوبي در استان محل خدمت خود نداشته و در بهزيستي كشور مسئول برنامه‌ريزي مالي و تايد پرداخت‌ها به مراكز مثبت زندگي بود، با سواستفاده از موقعيت خود توانسته بود ۱۳ ميليارد تومان به حساب زنديكانش منتقل كند، حالا خير مي‌دهد؛ با گذشت سه ماه از افزايش اين فساد، كارمند متخلف بهزيستي نهنتها اخراج يا بازخواست نشده، بلكه تنها به اداره بهزيستي چهارمحال‌وبختياري منتقل شده و به فعاليت عادي خود ادامه مي‌دهد تا به جامعه اين پيام را برساند كه رئيس جديد بهزيستي نيز در مدل برخورد با فساد و تصنيع حقوق معلولان احتمالا راه همتاي سابق خود را در پيش خواهد گرفت. مدير كمپين معلولان توضيح مي‌دهد: اين تخلف مالي در دوره رئيس قبلي سازمان بهزيستي رخ داده و ضعف نظارت در حوزه پشتيباني، بازرسي و حراست سازمان بهزيستي، عامل اصلي وقوع آن بوده است. اما با اينكه افزايش آن در دوره رئيس قبلي بهزيستي رخ داده، بااين‌حال مديريت جديد بهزيستي نهنتها تاكنون قدمي در جهت بررسي موضوع و توييح اين كارمند برنداشته، بلكه با موفقت با جايه‌جايي او، حتي سينكال عازي از اشكال بودن تصنيع منافع جامعه هدف و نوازش جنگ‌انزاده، به منابع بهزيستي به‌جاي برخورد با آنها را به جامعه ارسال مي‌كند.

**دزدی با رقمی معادل مستمری ۱۳ هزار مددجو در بهزیستی**
مروتي بيان مي‌كند: ممكن است فسادهاي مالي رخ‌داده با ارقام بسيار بزرگ، موجب كوچك ديده‌شدن اين فساد ۱۳ ميلياري شده باشد؛ اما بر آرزيايي بودجه كل بهزيستي و دانستن اينكه اين رقم با مستمری يا كمك‌هزينه معيشتي يك ميليون توماني ۱۳ هزار مددجوي با حق پرستاري حداقل چهارهزارو ۲۰۰ معلول شديد

**مدل برخورد بهزیستی با عامل فساد ۱۳ میلیاردی بهزیستی**

# انتقال به‌جای اخراج

### رویا بابایی

خبرنگار حوزه معلولان

و خیلی شدید برابری می‌کند، عمق فاجعه مشخص می‌شود. این فعال حوزه معلولان تاکید می‌کند: مجازات‌نشدن این فرد و اقدام به جابه‌جایی او به یک استان دیگر به‌رکناری و برخورد قضایی، یکی از شبانه‌برانگیزترین سؤالات موجود در این زمینه است که مدیریت فعلی سازمان بهزیستی دست‌کم برای تطهیر حیثیت خود باید به آن پاسخ دهد. آیا قرار است همه رؤسای بهزیستی بر انواع فساد مالی، دزدی‌ها و تاراج اعتبار مربوط به جامعه هدف این سازمان چشم ببندند؟

**بی‌کفایتی در ساختار مالی و بازرسی بهزیستی**

با اتکا بر اتفاق مذکور، وقتی یک کارمند به تنهایی توانسته چنین رقمی را از حساب بهزیستی خارج کند، با باید کلیت سیستم مالی بهزیستی را رها و فاقد چارچوب دانست یا باید گفت فرد یا افراد دیگری که ازفضا جزء صاحبان اختیار در این سازمان هستند، در این فساد همکاری داشته‌اند یا وقتی این ارقام در هیچ‌یک از گلوگاه‌های نظارتی و حسابرسی به چشم هیچ‌یک از متولیان نیامده، باید گفت سیستم مالی بهزیستی نظارت متعارف و معمول دستگاه‌های اجرائی را ندارد که البته این پیش‌فرض ساده‌لوحانه‌ترین پیش‌فرض ممکن است.

**بازرسی بهزیستی زیر سؤال است**

بازرسی بهزیستی هم یا متوجه چنین تخلفی نشده یا متوجه شده اما بنا بر رسم قدیمی حفظ آبرو و مصلحت‌خودی‌ها، به مسئله ورود نکرده که در هر دو صورت فاتحه بازرسی را به دلیل اهمال، ضعف و ناتوانی باید خواند. بااین‌حال، اگر فرضیه دست‌داشتن افراد دیگری در این فساد درست باشد، کار با فاتحه‌خوانی تمام نمی‌شود و موضوع دیگر ضعف یا اهمال نیست، بلکه خود بازرسی به دلیل شبانه‌برانگیزبودن رسیدگی نکردن یا بیان‌نکردن ابعاد پنهان این ماجرا باید مورد سؤال و جواب قرار گیرد. این اتفاقات نشان می‌دهد ضعف نظارتی و بازرسی در سازمان بهزیستی به حدی است که تخلفات مالی میلیاردی به‌سادگی عملی می‌شود و بی‌خیالی و بی‌تعهدی به اندازهای است که حتی بعد از افزایشری، برخوردی جدی با متخلف نمی‌شود. این فساد و نمونه‌های مشابه آن که حاصل عدم تعهد و تعصب مدیران بهزیستی است، در حالی اتفاق می‌افتد که هزاران

مددجوی بهزیستی برای دریافت حق خود باید پرسوه فرساینده

بورورکراسی اداری را طی کنند و بسیاری از آنها هرگز به همین مستمری حداقلی هم دست پیدا نمی‌کنند. اما فاجعه بزرگ‌تر، اصل‌خونبودن بازرسی بهزیستی به این ماجرا و موارد مشابه است. پاسخ وجود بازرسی، رسیدگی به تخلفات درون‌سازمانی و رفع و رجوع آنها و پاسخ‌گویی به جامعه است، اما بازرسی بهزیستی مدت‌هاست به سؤالات جامعه هدف درخصوص تخلفات مالی پاسخی نمی‌دهد و با عدم پاسخ‌گویی در این زمینه، به جامعه و به‌ویژه جامعه هدف، پیام خودمختاری، تبعیت‌نکردن از قانون و قلدرمایی می‌دهد که این علاوه بر خروج از ریل قوانین حاکمیتی، خطر بزرگی برای نهادی همچون بهزیستی است و با منویات رهبری نیز در تضاد است.

**بساط مراکز مثبت زندگی را بر چینی**

طرح ایجاد مراکز مثبت زندگی در سازمان بهزیستی که ارائه خدمات آسان و سریع به جامعه هدف را وعده داده بود، خیلی زود به معضلی بزرگ تبدیل شد. درحالی‌که گفته می‌شد هدف اصلی این مراکز، دسترسی بهتر جامعه هدف به خدمات بهزیستی و بهره‌گیری از فناوری برای تسریع ارائه خدمات است، این مراکز تاکنون نهنتها خدمات را تسهیل نکرده‌اند، بلكه با ناکارآمدی و ضعف عملکرد، موجب انتقاد جامعه هدف، کارکنان بهزیستی و حتی صاحبان امتیاز خود مراکز هدف شده و عملکرد آنها نهنتها مطلوب نیست، بلكه به مراکزى ناکارآمد و محل فساد تبدیل شده‌اند.

**رئیس جدید بهزیستی برادری خود را اثبات کند**

در شرایطی که بودجه بهزیستی کفاف نیازهای اولیه جامعه هدف را نمی‌دهد و بسیاری از معلولان در تأمین هزینه‌های ضروری خود مانده، وقوع چنین فسادهایی عمق فاجعه مدیریتی در بهزیستی را بیشتر نمایان کرده و بر ضرورت اصلاح ساختارهای نظارتی و شفافیت مالی در بهزیستی تاکید می‌کند. جامعه هدف این سازمان انتظار دارند با این تخلفات به‌طور جدی برخورد و وعده‌های اولیه درباره مراکز مثبت زندگی، از حالت شعار به عمل تبدیل شود. بنابراین رئیس جدید سازمان بهزیستی اگر چنان‌که اظهار می‌کند واقعاً در گرو بهبود امور جامعه هدف بهزیستی دارد، در قدم اول با رسیدگی به این تخلف و اعلام علنی نتیجه آن، برادری خود را اثبات کند تا بتواند اعتماد تعامل فعالان این حوزه را جلب کند.

# ناترازی اقلیمی



عکس په‌نگاه‌ای از استان خراسان رضوی

استان‌ها نیز مقایسه، نشان‌دهنده آمارهای درخور توجهی است. میزان مساحت مناطق درگیری خشک‌سالی حوضه آبریز اصلی ۴۹ درصد، حوضه آبریز دریاچه ارومیه ۵۸ درصد، حوضه آبریز خلیج فارس و دریای عمان ۸۰ درصد، فلات مرکزی ایران ۹۱ درصد، حوضه آبریز قره‌قوم ۳۵ درصد و حوضه آبریز مرزی شرق صدرصد.

ایران مانده و یک ماه و نیم دیگر، با تردیدهای بی‌شمار؛ تردیدهایی که در این منطقه که به دلیل ناپایداری شرایط جوی و وابستگی به شرایط آب‌وهوایی منطقه‌ای، همیشه نگاه به آسمان بوده و بارشی که از سرزمین‌های دیگر بیاید، مردم ایران‌زمین همیشه وابسته به این بارش‌ها بوده‌اند، بارش‌هایی که هرچند از لحاظ علمی در گذشته منشأ آن را نمی‌دانستند، اما گواهی بر ریشه دوردست‌شان بوده است. بارش‌هایی با منشأ اطلس شمالی، مدیترانه، دریای سیاه و دریای سرخ. بارش‌هایی که همیشه بوده و ایجاد خشک‌سالی آن، تاریخ سازگاری این مردم را تشکیل داده است. اگرچه این بار و اتفاقات و شرایط تغییر آب‌وهوا، این تردیدها عمیق‌تر شده و آنچه همه چیز را سخت‌تر کرده است، از دست‌دادن بنیادهای دانش بومی در سازگاری با شرایط خشکی و خشک‌سالی است؛ فئات‌های نابودشده، سیستم‌های توزیع آب محلی مؤثر و آب‌انبارهایی که دیگر موجود نیستند. چرا؟ با لطف افزایش اتکا بر فناوری که آن هم به شکل نادرستی مورد استفاده قرار گرفت. از پمپ‌های آب گرفته تا سدهای ساخته‌شده و چاه‌های عمیق که اگر همین فناوری هم درست استفاده می‌شد، شاید با هم آمیزی با سنت و فناوری قدیم، راه بهتری وجود داشت.

هرچه باشد، در تضاد با سنت قدیم و فناوری جدید، هکتارهای کشت‌وکار تازه پدیدآمده در چند دهه اخیر، چشم به آسمان دارند و امید بر بارشی که باید بیارد و امید است این ماه‌های باقی‌مانده، با بارش‌هایی همراه نشود که خیرشان، شری شود در حد سیل‌های چندساله اخیر زاگرس. امید است؛ هرچند در این فضای ناامیدی، می‌توان با اتکا به خرد، با استفاده از فناوری‌های نوین‌تر، این بحران‌ها را کاهش داده و به پایداری زیست این سرزمین یاری رساند.

**♦♦دکترای هوشناسی ♦♦دکترای آب‌وهواشناسی**

### نگاه

**تعرض اوقاف به جنگل‌ها و مراتع کشورا**



**رضا شاخ‌بوبر**

**کارشناس جنگل**

به استناد اصل ۴۵ قانون اساسی، منابع طبیعی ازجمله جنگل‌ها و مراتع جزء انفال و ثروت‌های عمومی محسوب می‌شوند؛ به عبارتی «انفال»، اموال متعلق به شخصیت حقوقی حکومت بوده و ماهیت رابطه حکومت با آنها، رابطه مالکیت یک شخصیت حقوقی با اموال خود در حیطه صلاحیت‌های آن است. در ماده یک قانون ملی‌شدن جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۴۱ نیز تصریح شده، از تاریخ تصویب این تصویب‌نامه قانونی عرصه و ایقانی همه جنگل‌ها و مراتع و بیشه‌های طبیعی و اراضی جنگلی کشور، جزء اموال عمومی محسوب شده و متعلق به دولت است، حتی اگر قبل از این تاریخ افراد آن را متصرف شده و سند مالکیت گرفته باشند.

همچنین به استناد تبصره ۶ قانون الحاق دو تبصره به ماده واحده قانون ابطال اسناد فروش رقات آب و اراضی موقوفه مصوب ۱۳۸۰/۱۲/۱۹، مجلس شورای اسلامی، آن سسته از اراضی و جنگل‌ها و مراتع و اراضی ملی که مشمول ماده ۱ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع می‌شوند، موقوفه نقلی نمی‌شود، لازم به ذکر است که طبق فتوای رهبری نیز «جنگل‌ها و مراتع طبیعی که از انفال و اموال عمومی هستند، ملک خاص کسی نیستند، در نتیجه وقف آنها از سوی هیچ فردی صحیح نیست»، باوجوداین شاهد هستیم که صدها هکتار از مراتع شهرستان نور نازندان در محدوده پلاک‌های ثبتی شماره‌های ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۸۰، ۲۸۱ مراتع قریه گزاناسر،ا، کنگرچال، لیس تخته،

مهازکیمه و چهارسی خمند، از سوی برخی افراد و اداره اوقاف، موقوفه اعلام شده است؛ این موضوع که مصداق باز زمین‌خواری بوده، واهمه تغییر ماهیت مراتع را حتمی کرده است. وقف منابع طبیعی فقط به مراتع محدود نبوده، بلکه به سطح وسیعی از جنگل‌ها در سنوات گذشته نیز تسری داده شد که مصداق بارز آن جنگل‌های آق‌مشهد بود که با ورود رسانه‌ها و اعتراض افکار عمومی، دستگاه قضائی خوشبختانه آن را ملغی کرد، بنابراین ضرورت دارد که مقام معظم رهبری به موضوع وقف جنگل‌ها و مراتع شخصا ورود کرده و ضمن هشداردادن به دستگاه‌های خاطی از ادامه روند صدور اسناد وقفی جنگل‌ها و مراتع جلوگیری کنند. مسلماتیکی از دلایلی که سازمان منابع طبیعی را در برابر ممانعت از این موضوع ناتوان کرده، ساختار سازمانی ضعیف تشکیلات متولی منابع طبیعی کشور است که ذیل وزارتخانه بهره‌بردار جهاد کشاورزی مدیریت می‌شود؛ بنابراین طبق گزارش‌های مکرر کارشناسان و استادان دانشگاه، دایر بر ضرورت تشکیل وزارت منابع طبیعی یا ارتقای سازمان یادشده به سطح معاونت ریاست‌جمهور لازم است مطالبه این ارتقای ساختاری خدمت رهبری مطرح تا ایشان در هفته منابع طبیعی سال جاری رسماً دستور آن را صادر کنند.

### خبر

**آغاز عرضه بدون محدودیت**

**شیرخشک در داروخانه‌های سراسر کشور**

ایرنا- سرپرست اداره کل فرآورده‌های طبیعی، ستنی و مکمل سازمان غذا و دارو از اعمال اصلاحات در دستورالعمل‌های مرتبط با توزیع شیرخشک در کشور خبر داد و گفت: عرضه شیرخشک از روز دوشنبه ۱۵ بهمن بدون هیچ‌گونه محدودیت و بر اساس تقاضای مصرف‌کنندگان در داروخانه‌های سراسر کشور انجام شده است. علی صفا افزود: عرضه بدون محدودیت شیرخشک در راستای تسهیل دسترسی مصرف‌کنندگان به شیرخشک مورد نیاز و البته با نظارت دقیق مسئولان فنی در داروخانه‌ها انجام می‌شود. وی اظهار کرد: برای جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی، داروخانه‌ها موظف هستند از فرد متقاضی شیرخشک، کارت شناسایی کودک را درخواست و رویت کنند که این اقدام به منظور اطمینان از توزیع مناسب محصول به متقاضیان واقعی انجام می‌شود.